

نگاهی به شاخص‌های حکمرانی خوب از منظر اسلام و تأثیر آن بر رشد اقتصادی

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۸/۲۰

تاریخ تأیید: ۱۳۸۹/۱/۳۰

اصغر مبارک*
زیبا آذریبوند**

چکیده

یکی از هدف‌های اصلی تمام نظام‌های اقتصادی، به‌ویژه اقتصاد اسلامی، تحقق رشد و توسعه اقتصادی است. در این جهت، الگوهای گوناگون رشد اقتصادی به‌ویژه الگوهای رشد نئوکلاسیک، تفاوت در عملکرد اقتصادی کشورها را ناشی از تفاوت در عامل‌های اقتصادی مانند سرمایه (فیزیکی و انسانی) و بهره‌وری می‌دانند؛ در حالی که تفاوت در انباشت سرمایه و بهره‌وری خود ریشه در عامل‌هایی دارد که اقتصاددانان نهادگرا آن را ساختار نهادی هر کشور معرفی می‌کنند.

در مطالعه پیش‌رو به بررسی اثر عامل نهادی در کنار عامل‌های اقتصادی دیگر بر رشد اقتصادی می‌پردازیم. و فرضیه رابطه مثبت و معنادار بین محیط نهادی و رشد اقتصادی را بررسی می‌کنیم، عامل نهادی شامل نهادهای حاکمیتی (حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی، ثبات سیاسی، کنترل فساد، حاکمیت قانون، کیفیت بوروکراسی و اثربخشی دولت) است که به‌طور جداگانه و کلی برای کشورهای اسلامی مورد نظر از بین کشورهای با سطوح گوناگون توسعه در دوره ۲۰۰۵-۱۹۸۰ با استفاده از روش داده‌های ترکیبی مورد بررسی قرار گرفت. نتیجه‌ها نشان می‌دهد میزان اثرگذاری فاکتورهای نهادی و حکمرانی برای کشورهای ایران، مصر، ترکیه و اندونزی نسبت به کشورهای دیگر اثرگذاری کمتری دارد.

واژگان کلیدی: رشد اقتصادی، نهادهای حاکمیتی، حکمرانی خوب، مصر، ایران، ترکیه، عربستان، مالزی، اندونزی و کویت.

طبقه‌بندی JEL: K11, K12, K13

Email: asghar_mobarak@yahoo.com.

*. کارشناسی ارشد اقتصاد.

Email: Z_azari61@yahoo.com.

** کارشناسی ارشد اقتصاد.

مقدمه

در صدر اسلام پیامبر ﷺ با تشکیل حکومت اسلامی، کوشش فراوانی در اداره جامعه اسلامی داشتند، به‌ویژه توجه خاص وی در حاکمیت اسلام و قوانین اسلامی بر نهادها که امروزه در قالب نظریه‌های گوناگون اقتصادی و تکامل این نظریه‌ها، لزوم توجه به این مسائل به‌طور کامل مورد تأیید قرار گرفته است.

تا اواخر دهه نود الگوهای رشد فقط به بررسی عوامل اقتصادی مانند: سرمایه انسانی و فیزیکی، بهره‌وری، جمعیت، شرایط جغرافیایی و غیره می‌پرداختند اما این الگوها نتوانستند علت تفاوت درآمد سرانه کشورها را به‌طور کامل توضیح دهند و این به پیدایش نظریه‌های جدیدی در ادبیات رشد انجامید که رشد اقتصادی را محدود به عامل‌های اقتصادی نمی‌دانست. از جمله این نظریه‌ها، اقتصاد نهادگرایی جدید (New Institutional Economics) است که عامل نهادی (Institutional Factor) را وارد تحلیل‌های اقتصادی رشد کردند و عامل‌هایی مانند نظام سیاسی، رفتار حاکمان، سیاست‌های عمومی، فرهنگ، مذهب و غیره را که در الگوهای پیشین رشد مفروض گرفته می‌شدند، از عامل‌های مهم تفاوت عملکرد اقتصادی کشورها معرفی کردند چرا که نهادها را شکل‌دهنده محیط اقتصادی در کشورها می‌دانستند و عامل اصلی عقب‌ماندگی برخی کشورها را نه کمبود سرمایه بلکه نبود بستر نهادی مناسب برای فعالیت‌های اقتصادی مولد بیان می‌کردند.

بنابراین در مطالعه پیش‌رو با توجه به این فرضیه که بین محیط نهادی و رشد اقتصادی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد برای این منظور در مقاله، عامل نهادی را در شش دسته شاخص جداگانه (حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی (Voice & Accountability)، ثبات سیاسی (Political Stability)، حاکمیت قانون (Rule of law)، کنترل فساد (Control of Corruption)، کیفیت بوروکراسی (Regulatory of Quality) و اثربخشی دولت (Government Effectiveness)) که به شاخص‌های ترکیبی حکمرانی معروف است را با تأکید بر هر کدام از این نهادها در صدر اسلام، مورد استفاده قرار خواهیم داد و اثر هر شاخص نهادی به‌طور جداگانه ارزیابی خواهد شد. همچنین به علت اهمیت حکمرانی در عملکرد اقتصادی کشورها، شاخصی که به‌وسیله شش دسته پیش‌گفته است در نظر گرفته شده و از روی آن درباره اهمیت کیفیت حکمرانی داور می‌شود. از هدف‌های اصلی تحقیق پیش‌رو شناسایی نقش محیط نهادی بر فعالیت‌های اقتصادی

اهمیت ویژه‌ای دارد چرا که براساس شواهد تجربی شکاف درآمدی و واگرایی اقتصادی کشورهای فقیر و ثروتمند با میزان انباشت سرمایه قابل توضیح نبوده است و باید تأثیر عامل‌های نهادی را بر میزان افزایش رشد اقتصادی نیز در نظر داشت.

در تحقیق پیش‌رو با مروری بر ادبیات و پیشینه تحقیق، معرفی الگوهای گوناگون رشد اقتصادی، تحلیل و بیان فاکتورهای ساختار نهادها و رشد اقتصادی در مدل‌های گوناگون نظام اقتصاد سرمایه‌داری و اسلامی، به ارائه مدل مورد مطالعه، تجزیه و تحلیل نتیجه‌ها و نتیجه‌گیری پرداخته می‌شود.

مروری بر ادبیات موضوع و پیشینه تحقیق

برای ورود به بحث اثر عامل‌های نهادی بر رشد اقتصادی لازم است مروری بر ادبیات مطرح در این‌باره داشته باشیم. ابتدا به ادبیات مربوط به الگوهای رشد می‌پردازیم چرا که شناخت نقص الگوهای پیشین که به ورود نهادها به تحلیل‌های رشد انجامیده می‌تواند به درک بهتر موضوع کمک کند. در بخش دیگر به مفهوم نهاد و اهمیت آن و اینکه چرا برخی کشورها نهادهای قوی دارند اما برخی دیگر بستر نهادی مناسبی ندارند، می‌پردازیم و سپس به ذکر مواردی از چگونگی سازمان‌دهی و اداره نهادها در صدر اسلام که به رشد و توسعه اقتصادی می‌انجامد می‌پردازیم.

الگوهای رشد نئوکلاسیک و درون‌زا

الگوهای رشد نئوکلاسیک نسبت به الگوهای «کینزی» هارود و دومار گامی به پیش بود. الگوهای پیش‌گفته با دخالت‌دادن قیمت عوامل و جایگزینی عوامل تولید امکان ژرف‌تر کردن الگوی پیشین را فراهم ساخته توانستند مشکل بی‌ثباتی «لبه تیغ چاقو» در طرح هارود-دومار را حل کنند.

در دهه ۱۹۵۰، رابرت ام. سولو (Solow, Robert. M) الگویی را توسعه داد که به صورت ابزار استاندارد مطالعه‌های مربوط به رشد اقتصادی درآمده است. در این الگو، نرخ رشد اقتصادی به سرعت افزایش نهاده‌های عوامل تولید (کار و سرمایه) بستگی دارد. رشد جاری ممکن است نتیجه افزایش میزان نهاده از یک یا هر دو عامل تولید باشد. برون‌زا بودن عوامل رشد در چارچوب رشد نئوکلاسیک جایی را برای سیاست اقتصادی در تأثیر

گذارند بر نرخ تعادلی بلندمدت رشد اقتصادی در نقطه مقابل انتقال‌های کوتاه‌مدت بین حالت‌های به اصطلاح ثابت، باقی نمی‌گذارد. با وجود این، گروه سوم الگوهای رشد از سوی رومر (Romer, 1986) و لوکاس (Lucas, 1988) مطرح شدند و نرخ رشد را به‌طور درون‌زا به وسیله پارامترها (عوامل) داخل الگو تعیین می‌کردند. الگوهای رشد درون‌زا، در جهت‌های گوناگونی توسعه یافته‌اند، به‌طور مثال فرض بر اثرات خارجی سرمایه‌گذاری (به اصطلاح اثر سرریز (Spillover)) گذاشته‌اند؛ به‌طوری که ذخایر سرمایه ملی بازدهی فزاینده دارند در حالی که در سطح بنگاه اقتصادی بازدهی ثابت است.

با اینکه نظریه‌های جدید رشد، رشد پایدار و پیشرفت فناوری را درون‌زا کرده‌اند اما توضیح آنها از تفاوت‌های درآمدی مشابه نظریه‌های پیش از خود است؛ برای نمونه در مدل رومر (۱۹۹۰)، کشوری در صورتی پیشرفته‌تر از دیگری است که منابع فراوانی را به اختراعات و ابداعات اختصاص داده باشد اما چه ویژگی اساسی است که دارایی و فناوری را برای پدید ساختن نوآوری ترجیح می‌دهد. پرسشی است پیش‌روی این مدل‌ها که قدرت یافتن پاسخ به آن را ندارند.

الگوهای درون‌زای رشد و به تبع آن طرح‌شدن چنین پرسش‌هایی علاقه به ترتیبات نهادی و سیاست اقتصادی را در جایگاه عامل‌های سیاسی موثر بر رشد اقتصادی دامن زدند و به ظهور ادبیات اقتصاد سیاسی رشد جدیدی انجامید که از درهم آمیختگی نظریه جدید «رشد درون‌زا» و «اقتصاد سیاسی کلان» نوین توسعه یافته است. این دو حوزه پژوهش در نوع خود جدید هستند به‌طوری که، در ادبیات رشد، نکته تازه و بدیع کوشش برای بررسی رشد اقتصادی به عنوان متغیری درون‌زا است که تحت تأثیر عوامل چندی و رای پیشرفت فنی و رشد جمعیت است. ادبیات اقتصاد سیاسی کلان عامل‌های تعیین‌کننده درونی را معرفی می‌کند که بر انتخاب سیاست اثر می‌گذارند و فراتر از دامنه الگوهای استاندارد اقتصاد کلان قرار دارند. اقتصاددانان انتخاب سیاست را به‌صورت متغیری برون‌زا یا انتخابی از سوی برنامه‌ریز خیرخواه اجتماعی می‌پندارند. تازگی رهیافت اقتصاد سیاسی کلان تأکید بر فرایند سیاسی و درگیری‌های بین افراد به‌صورت تعیین‌کننده‌های انتخاب سیاسی است.

ادبیات جدید اقتصاد سیاسی رشد بر مبنای نظریه‌های اقتصاد نهاد‌گرای جدید در اواخر دهه ۱۹۸۰ شروع و در اواخر دهه ۱۹۹۰ بعد از مشاهده نتیجه‌های برنامه‌های تعدیل ساختاری

که سرچشمه نئوکلاسیکی داشتند به اوج خود رسید. عامل‌های سیاسی مانند: بی‌ثباتی سیاسی، کیفیت دولت، توزیع درآمد، نظام سیاسی و غیره که پیش از این مفروض پنداشته می‌شدند اکنون نقش عامل اصلی را در تبیین تفاوت عملکرد اقتصادی کشورها به خود گرفته‌اند.

نهادها (Institutions)

نهاد، مفهومی گسترده است که به اشکال گوناگون تعریف شده است اما متأسفانه تعریف روشن و قابل‌سنجشی که بر آن اجماع باشد وجود ندارد. به گفته داگلاس نورث (North, 1377) از نهاد که جامع‌ترین است در این طیف قرار می‌گیرد و بیان می‌کند:

«نهادها، قانون‌های بازی در جامعه هستند. در نتیجه نهادها سبب ساختارمند شدن انگیزه‌های نهفته در مبادله‌های بشری می‌شوند، چه این مبادله‌ها سیاسی باشند چه اقتصادی و اجتماعی. در یک تعبیر کلی، نهادها مشتمل بر باورها، رفتارها (حوزه عقلانی یا غیرعقلانی)، سنت‌ها، ضوابط و مقررات حقوقی هستند که درباره هسته اصلی، مجموعه هماهنگی را شکل می‌دهند.»

از این لحاظ نهادهای خوب در جایگاه پدید آورنده ساختار انگیزشی مطرح هستند که باعث کاهش ناطمینانی، تشویق کارایی و بنابراین کمک به بهبود عملکرد اقتصادی می‌شود. بنابراین بایستی بین سه شکل از نهادها تمایز قائل شد (نهادهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی). قانون اساسی کشور، نمونه‌ای از نهادهای سیاسی است که در آن ساختار کلی از نهادهای سیاسی تعریف شده است، به‌طور نمونه چگونگی انتخاب سیاستمداران و انتقال قدرت به آنها را وصف می‌کند به‌گونه‌ای که ممکن است قدرت را به رئیس‌جمهور که به‌طور دموکراتیک انتخاب شده است بدهد یا به یک دیکتاتور. بنابراین نهادهای سیاسی شامل نوع حکومت، قدرت تخصیص داده شده و محدودیت‌های اعمال‌شده روی سیاستگذاران و نخبگان سیاسی است. نهادهای اقتصادی (مانند حقوق مالکیت) شکل‌دهنده محیط اقتصادی هستند که افراد و شرکت‌ها در آن فعالیت می‌کنند. نهادهای اقتصادی خود به‌وسیله نهادهای سیاسی و به‌طور کلی‌تر به‌وسیله نهادهای اجتماعی شکل یافته‌اند. به‌طور ویژه درباره توزیع منابع تضاد منافی وجود دارد و تا حدی درباره نهادهای اقتصادی. عامل مهم در تشخیص نتیجه چنین تضادی، تخصیص قدرت سیاسی است که خود آن به‌طور معناداری به‌وسیله ساختار نهادهای سیاسی متأثر می‌شود. اینکه چه نوع نهاد اقتصادی در

جامعه برقرار خواهد شد به این موضوع بستگی دارد که چه کسی قدرت سیاسی را برای پدید ساختن یا مسدود کردن نهادهای اقتصادی در اختیار دارد. آموزش، بهداشت، حمایت از شهروندان فقیر و ناتوان از تحصیل درآمد مورد قبول برای زندگی، آداب و رسوم و ارزش‌ها از جمله نهادهای اجتماعی رسمی و غیررسمی در جامعه است که در شکل‌دادن محیط اقتصادی نقش مهمی دارند.

فعالیت جمعی منافی را برای جامعه در پی دارد که با عمل فردی حاصل نمی‌شوند بنابراین ابتکار عمل جمعی موفقیت‌آمیز می‌تواند به صورت بهبود دهنده رفاه شمرده شود اما این عمل جمعی در کنار منافع هزینه‌هایی (مانند رفتارهای فرصت‌طلبانه و سواری مجانی در جهت حداکثرسازی منافع شخصی) را نیز در بر دارد و برای کاهش این هزینه‌ها ابزارهایی اجتماعی نیاز است که نهادها ابزاری مناسب برای این منظور شمرده می‌شوند به علت اینکه نهادها به حل مسائل مربوط به هماهنگی برنامه‌های کارگزاران، به ارتقای رفتارهای مشارکتی و ماورای فرصت‌طلبی کمک می‌کنند و پیامدهای خارجی کارگزاران را درونی کرده و همچنین باعث کاهش نااطمینانی در فعالیت‌ها می‌شوند. نهادها همچنین از تکوین سرمایه اجتماعی و از تجربه عمل جمعی تاریخی که به نوبه خود بر احتمال پذیرش فعالیت جمعی اثر مثبت دارد حمایت می‌کنند. اعتماد، اعتبار و رفتار متقابل سه ویژگی کلیدی رفتار انسانی هستند که تمایل به پدید ساختن مشارکت و تداوم آن در طول زمان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. رابطه مدور بین اعتماد، اعتبار و رفتار متقابل سطح مشارکت در بین افراد را افزایش می‌دهد، بنابراین زمینه را برای قوه ابتکار فعالیت جمعی مهیا می‌کند. در این زمینه نهادها قادر به پدید ساختن مجموعه درستی از انگیزه‌ها هستند که می‌توانند برقراری رابطه دایره‌وار بالا را تسریع کرده و گسترش رفتارهای مشارکتی را تسهیل و مجاز کنند.

حاکمیتی و حکمرانی خوب (Good Governance)

واژه حکمرانی، واژه جدیدی است که به جای واژه قدیمی «دولت» معنا و مفهوم بکار می‌رود. بانک جهانی حکمرانی را به صورت ذیل تعریف می‌کند:

«روشی که بر اساس آن قدرت بر مدیریت اقتصادی یک کشور و منابع اجتماعی آن برای رسیدن به توسعه اعمال می‌شود».

توانمندسازی دولت، مفهومی است که اخیراً وارد ادبیات توسعه اقتصادی شده و در

برابر دیدگاه‌های پیشین توسعه، دولت بزرگ و دولت کوچک را عامل توسعه نمی‌داند بلکه باور بر این است که جدای از اندازه دولت، توانایی دولت در انجام وظایف محوله نقش مهمی در توسعه و پیشرفت اقتصادی دارد. دولت‌ها می‌توانند با تقویت نهادهایشان، توانمندی‌شان را بهبود بخشند. این امر مستلزم نهادینه‌ساختن قوانین و هنجارهایی است که به مقامات دولتی انگیزه می‌دهد تا طبق منافع جمع عمل کنند.

کافمن (Kauffman) و همکارانش در بانک جهانی برای بیان حکمرانی شش شاخص حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی، ثبات سیاسی، حاکمیت قانون، کنترل فساد، کیفیت بوروکراسی و اثربخشی دولت را بیان کردند که در مقاله پیش‌رو نیز مورد استفاده واقع شده است و باور بر این است که هر قدر در کشور، دولت پاسخ‌گوتر، کارآمدتر و ثبات سیاسی بیشتر، مقررات اضافی و هزینه‌ها کمتر و حاکمیت قانون گسترده‌تر و فساد محدودتر باشد، گفته می‌شود که حکمرانی خوب برقرار است.

چرایی ضعف و قوت نهادها در کشورها

مطالعه‌های اخیر اهمیت ویژه‌ای به نقش ویژگی‌های تاریخی و جغرافیایی در شکل‌گیری نهادها می‌دهند. هر چند تعدادی از این مطالعه‌ها نقش ویژگی جغرافیایی را رد نمی‌کنند با این حال بر نقش نهادها در جایگاه واسطه‌ای کلیدی ما بین اثرات جغرافیایی (نزدیکی به دریا، فاصله از بازارهای اصلی، شرایط آب و هوایی و ...)، تاریخی و عملکرد اقتصادی تأکید دارند. این ادبیات، اختلاف نهادی جاری میان برخی کشورها را به الگوهای تاریخ استعماری نسبت می‌دهند؛ به‌طور مثال تفاوتی بین کشورهایی که اروپایی‌ها به مدت فراوانی استعمار کرده‌اند با آنهایی که مدت کوتاهی مستعمره بودند و یک نخبه سیاسی محلی برای مدیریت و استخراج منابع طبیعی اعمال قدرت می‌کرد وجود دارد. در مورد نخست توسعه نهادی در جهت تشویق مشارکت گسترده در فعالیت سیاسی و اقتصادی بود که باعث ابداعها، سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی شد اما در دومی با تأکید نهادی بر حفظ قدرت و ثروت حاکم سیاسی، وضعیت برای توسعه اقتصادی پایدار چندان مناسب نبود.

عاصم اوقلو و همکاران (۲۰۰۱) به بررسی اثر اشکال گوناگون استعمار در قرون ۱۹-۱۷ بر روی نهادها می‌پردازد. آنان بین دو شکل استعمار یعنی استعمارگران ساکن (Settler Colonies) و

دولت‌های چپاول‌گر (Extractive States) تمایز قائل می‌شوند به طوری که در اولی اروپاییان مهاجر به همراه خود نهادهایی مانند: حقوق مالکیت، اعمال حاکمیت قانون و حمایت از سرمایه و رشد و ... را به آنجا می‌برند (امریکا، استرالیا و نیوزلند از این نوع مستعمره‌ها هستند) اما نوع دوم استعمار به تأسیس دولت‌های محلی محدود شده و تأکید بر ساختن و تحکیم نهادها و قوانین نبوده است بلکه استخراج منابع طبیعی را مدنظر داشت (اغلب کشورهای امریکای لاتین و زیر صحرای افریقا). سرانجام آنان بیان می‌کنند که سرچشمه استعمار اثرات پایداری بر شکل‌گیری و تقویت نهادها و به‌طور کلی بر عملکرد اقتصادی کشورهای مورد بررسی دارد.

همچنین عاصم اوقلو (۲۰۰۴) در مطالعه دیگری از عوامل‌هایی مانند عقیده و تضاد اجتماعی به صورت منابع احتمالی دیگر تفاوت نهادی کشورها یاد می‌کند. جوامع با عقیده‌های گوناگون ممکن است نهادهای متفاوتی با استدلال‌های متفاوت انتخاب کنند. اگر جوامع گوناگون باورهای متفاوتی درباره اینکه چه چیزی از نظر اجتماعی کارا است داشته باشند آنها می‌توانند به‌طور عقلایی نهادهای گوناگونی انتخاب کنند. تفاوت‌های عقیدتی به‌طور واضح نقش مهمی در شکل‌دهی سیاست‌ها و نهادها بازی می‌کنند. محیط نهادی کشور کره بعد از جنگ، مثال خوبی برای این بحث است زیرا زمانی که دو کره از هم جدا شدند دو عقیده متفاوت بر آنها مسلط شد که هر کدام به شکل‌گیری نهادهای مناسب خود در آن کشور انجامیدند. در کره جنوبی نظام سرمایه‌داری باعث تکوین نهادهایی مانند: حقوق مالکیت خصوصی، اقتصاد بازار و ... شد. در برابر در کره شمالی نظام کمونیست که مخالف مالکیت خصوصی بود به شکل‌گیری نهادهایی مانند: مالکیت عمومی، تمرکز قدرت در دست دولت و قانون اقتصادی دیگر ضد نظام بازار انجامید.

بر اساس رویکرد تضاد اجتماعی، نهادها همیشه به‌وسیله کل جامعه انتخاب نمی‌شوند (و همیشه در جهت منافع جمع نیستند)، بلکه به‌وسیله گروه‌هایی انتخاب می‌شوند که کنترل قدرت سیاسی را در دست دارند (شاید در نتیجه تضاد با گروه‌های دیگر). این گروه‌ها نهادهایی را انتخاب می‌کنند که حداکثر کننده منافع شخصی‌شان باشند و نهادهایی که انتخاب می‌شوند ممکن است حداکثر کننده درآمد، ثروت و منافع کل جامعه نباشند.

بعد از بررسی منابع احتمالی تفاوت نهادها در کشورهای گوناگون پرسشی تحت عنوان

چرایی تداوم نهادهای ناکارآمد در برخی کشورها مطرح می‌شود. توضیحی که برای آن می‌شود بیان کرد این است که قدرت سیاسی در صورت اعمال نهادهای کارآمد زمینه قدرت‌یافتن گروه‌های مخالف را فراهم می‌کند؛ به‌طور مثال در صورتی که نخبگان سیاسی به اعمال نهادهای کارآمدی در حوزه سیاست و اقتصاد اقدام کنند که باعث قدرتمند شدن گروه‌های گوناگون جامعه و کوتاه‌شدن دست خود از رانتهای ویژه شود، در این صورت در حقیقت دشمن بالقوه خود را که به علت ضعف سیاسی و اقتصادی قادر به مقابله با هیئت حاکمه نبودند تقویت می‌کند. بنابراین به علت ترس از این تهدید بالقوه نخبگان سیاسی ممکن است با تغییرهای نهادی که باعث بهبود عملکرد اقتصادی شود، مخالفت می‌کنند. به همین ترتیب نهادهای ناکارآمد تقویت‌کننده خود هستند.

نهادهای و رشد اقتصادی

نهادهای عامل رشد یا رشد عامل نهادهای

ادبیات اقتصاد سیاسی رشد همواره با این پرسش بحث برانگیز همراه بوده که آیا توسعه سیاسی مبنای توسعه اقتصادی است یا برعکس؟ باید توجه داشت تا به امروز پاسخ قاطعی برای این پرسش داده نشده است و دو رویکرد درباره آن مطرح است. رویکرد نخست بر بسترسازی نهادی و شروع با دموکراسی و اعمال کنترل‌های دیگر روی حکومت به‌صورت سازوکاری برای تأمین حقوق مالکیت تأکید دارد، با وجود چنین نهادهای سیاسی انتظار می‌رود سرمایه‌گذاری در سرمایه فیزیکی و انسانی و بنابراین رشد اقتصادی حاصل شود. رویکرد دوم بر ضرورت توسعه اقتصادی (انباشت سرمایه فیزیکی و انسانی) جهت شروع فرایند تأکید دارد به‌طور مشخص آن را لازمه دموکراسی پایدار و برپایی برخی دیگر از نهادها می‌داند. هر دو رویکرد مبانی عقلانی گسترده‌ای دارند. اهمیت نهادسازی و محدود کردن حکومت از طرف اقتصاد نهادگرای جدید مورد تأکید واقع شده و اخیراً، ادبیات رشد اقتصادی که با کارهای ناک و کفر (۱۹۹۵) شروع می‌شود به اثرهای نهادهای خوب بر رشد اقتصادی می‌پردازد. رویکرد دوم به لیپست (Lipset, 1959) بر می‌گردد که خود وی نیز آن را به ارسطو نسبت می‌دهد. لیپست باور دارد فقط در جوامعی ثروتمند که فقر در حداقل نسبی خود است شهروندان می‌توانند آگاهانه در امور سیاسی مشارکت داشته باشند. وی

همچنین بیان می‌کند که مردم آموزش دیده اختلافاتشان را به جای نزاع‌های سخت از راه گفتگو و انتخاب حل می‌کنند. گلوستر در همین جهت اشاره می‌کند که سرمایه انسانی بالا به سیاست‌های خوب و ثبات سیاسی بیشتر می‌انجامد، پیامد خارجی اصلی سرمایه انسانی نه تکنولوژیک بلکه سیاسی است؛ به طوری که دادگاه‌ها و مجامع قانونگذاری جایگزین تفنگ‌ها شده و این اصلاح‌ها باعث حمایت بیشتر از حقوق مالکیت و رشد اقتصادی می‌شود.

رویکرد نخست نیز پشتوانه نظری قوی دارد و کارهای تجربی مهمی در تأیید اهمیت نهادها بر رشد اقتصادی انجام شده است. بندسن (Bennedsen, 2005) نهادها را شکل‌دهنده محیط اقتصادی می‌داند که شرکت‌ها و افراد در آن فعالیت می‌کنند. به‌طور خاص نهادها تأمین‌کننده مشوق‌هایی برای بنگاه‌ها و افراد هستند. به‌طور کلی، فعالیت اقتصادی مانند سرمایه‌گذاری در فعالیت تولیدی، با دو نوع بازده خصوصی و اجتماعی همراه است. بازده خصوصی (Private Return)، بازدهی خالصی است که برای کارگزاری که فعالیتی را متعهد شده حاصل می‌شود، در حالی که بازدهی اجتماعی (Social Return)، بازده داخلی کل برای اقتصاد است (مجموع بازدهی‌ها برای کارگزاران).

مالیات بر سود، شکافی را بین بازدهی بعد از مالیات (بازدهی خصوصی) و بازدهی پیش از مالیات (بازدهی اجتماعی) پدید می‌آورد و این امر انگیزه سرمایه‌گذاری را پایین می‌آورد. نهادهای نامناسب اثر مشابهی مانند مالیات روی بازدهی افراد دارد. بنابراین نهادها از راه به دست دادن قیمت‌های درست (Prices Rights) باعث رشد می‌شوند، یعنی بازدهی خصوصی و اجتماعی را به همدیگر نزدیک می‌کنند، به طوری که وجود نهادهای خوبی چون حقوق مالکیت خوب تعریف‌شده از راه پایین‌آوردن هزینه‌ها، بازدهی خصوصی مورد انتظار را به بازدهی اجتماعی نزدیک می‌کند.

امروزه اهمیت نهادها بر عملکرد اقتصادی تقریباً پذیرفته شده است اما آنچه که مهم به نظر می‌رسد وارد کردن نهادها به تحلیل‌های اقتصادی و شناخت چگونگی اثرگذاری آنها است. چرا که اثرگذاری اغلب نهادها بر رشد، غیرمستقیم بوده و از راه‌های متفاوتی صورت می‌گیرد که شناخت این راه‌ها و ارتباط نهادها با همدیگر موضوعی مهمتر از خود نهادها است؛ بنابراین در این قسمت به اختصار به این موضوع می‌پردازیم.

کانال‌های اثرگذاری نهادها بر رشد اقتصادی

حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی

این شاخص بیانگر مفهوم‌هایی مانند: حقوق سیاسی، آزادی بیان و تجمعات سیاسی و اجتماعی، آزادی مطبوعات، میزان نمایندگی حاکمان از طبقه‌های اجتماعی، فرایندهای سیاسی در برگزاری انتخابات و ... است که با عنوان شاخص دموکراسی از آن یاد می‌کنیم. درباره رابطه بین دموکراسی و عملکرد اقتصادی مطالعه‌های فراوانی انجام شده که برخی قائل به اثر مثبت و برخی دیگر به اثر منفی دموکراسی بر رشد باور دارند. بارو (Barro, 1966) این رابطه را به شکل U معکوس برآورد کرده و بیان می‌کند در صورت وجود شکل کاملی از دیکتاتوری در کشور، بهبود در حقوق سیاسی به برقراری محدودیت‌هایی بر قدرت مطلقه دیکتاتور می‌انجامد که این خود باعث افزایش رشد می‌شود اما در کشورهایی که از سطوح متوسطی حقوق سیاسی دارند، افزایش حقوق سیاسی به علت تشدید توجه مردم و مسئولان به برنامه‌های تأمین اجتماعی و اشکال گوناگون توزیع مجدد درآمد باعث تضعیف رشد اقتصادی خواهد شد.

در حکومت‌های مقتدر لیبرال، کشورهایی که پیش از آن نظام صیانت از حقوق مالکیت و حقوق مدنی (حقوق غیرسیاسی مانند: وضعیت زندگی، قراردادها و مالکیت و ... را شامل می‌شود) پدید آمده، سازوکارها و سنت‌هایی را برای قانون و مقررات تثبیت کرده باشد، فرایند دمکراتیزه شدن با هزینه کم و منافع بیشتری همراه خواهد بود اما زمانی که دمکراتیزه شدن در حکومت مقتدر غیرلیبرال اتفاق می‌افتد در کشورهایی که نظم پدید می‌آید نه بر پایه قانون، نتیجه ایجاد دموکراسی‌های غیر لیبرال است، آنچه که در تأمین ظرفیت نهادی اشتباه است که به‌طور قابل پیش‌بینی اثر مخرب روی رشد اقتصادی دارد.

کنترل فساد

تعریف سازمان شفافیت بین‌الملل از فساد عبارت است از:

«سوء استفاده از قدرت عمومی به نفع منافع خصوصی؛ به‌طور مثال پرداخت رشوه به مقامات دولتی، باج‌گیری در تدارکات عمومی یا اختلاس اموال عمومی» (کافمن و همکاران، ۲۰۰۶).

این شاخص مفهوم‌هایی مانند فساد در میان مقامات رسمی، اثربخشی تدبیرهای ضد فساد، تأثیر آن بر جذب سرمایه‌های خارجی، پرداخت اضافی یا رشوه برای گرفتن مجوزهای اقتصادی و ... را اندازه‌گیری می‌کند. ادبیات موجود در این باره زمینه وسیع بوده به طوری که حتی برخی بر این باور هستند که فساد از دو راه باعث تسریع رشد می‌شود: فعالیت‌های فاسدی چون رشوه، اجتناب از تأخیرات اداری را برای افراد ممکن می‌سازد. پرداخت رشوه به صورت نرخ کارمزدی (Piec Rate) انگیزه کارگزاران دولتی را برای کار بیشتر می‌کند اما اغلب محققان مانند مورو (Mauro) و بندسن، رویکرد بالا به فساد را نادرست دانسته و بیان می‌کنند فساد به روش‌های گوناگون باعث تضعیف رشد می‌شود. به اختصار به نمونه‌ای از این موارد در ذیل اشاره می‌کنیم:

ا. دزدیده شدن سرمایه‌های عمومی به وسیله افراد فاسد؛

ب. انحراف سرمایه‌گذاری‌های عمومی به سمت پروژه‌هایی که امکان فساد در آنها بیشتر است (بدون توجه به میزان ضرورت پروژه)؛

فساد به صورت مالیات روی سرمایه‌گذاری خصوصی (به طور مثال مبلغ پرداختی به عنوان رشوه و ...) باعث کاهش سود و سرمایه‌گذاری می‌شود؛

ج. فساد باعث انحراف منابع به‌ویژه سرمایه انسانی از فعالیت‌های نوآورانه به فعالیت‌های غیرمولد و مضر مانند: دزدی، رانت‌جویی و ... می‌شود ((بندسن، ۲۰۰۵).

ثبات سیاسی

بیانگر مفهوم‌هایی مانند ناآرامی‌های اجتماعی، ترور و اعدام‌های سیاسی، کودتا، آشوب‌های شهری، تنش‌های قومی و انتقال آرام قدرت در سطوح بالا است.

اغلب مطالعه‌های اخیر بیان می‌کنند بی‌ثباتی سیاسی از راه از بین بردن امکان سرمایه‌گذاری باعث کاهش رشد اقتصادی می‌شود (همو، ۲۰۰۶).

بی‌ثباتی سیاسی از کانال سرمایه و نیروی کار می‌تواند بر رشد اقتصادی اثر گذار باشد و مطابق پیش‌بینی این اثر منفی است؛ به‌طور مثال نااطمینانی سیاسی با بی‌ثباتی سیاسی همراه بوده و احتمالاً نرخ ترجیحات زمانی را به‌ویژه برای سرمایه‌گذاران ریسک‌گریز افزایش می‌دهند. در واکنش به این، نرخ جان‌شینی سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت و احتمالاً با بهره‌وری بالا به وسیله طرح‌های سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت و با بهره‌وری پایین افزایش

می‌یابد. افزون بر این، ناکارآمدی تولیدی پدید آمده به واسطه بی‌ثباتی سیاسی، مانند تجزیه جدول زمانی سرمایه‌گذاری، تولیدهای نهایی متناظر داده‌های تولیدی را کاهش خواهد داد. نتیجه‌گیری می‌شود که تمام شاخص‌های بی‌ثباتی سیاسی (کودتاهای کامیاب و غیر کامیاب ...) از راه اثر منفی خود روی تولید نهایی سرمایه، رشد اقتصادی را تحت تاثیر قرار می‌دهد (همان).

حاکمیت قانون

اعتماد مردم به قوانین، قابلیت پیش‌بینی دستگاه قضایی، وجود جرم‌های سازمان یافته، احتمال کامیابی در شکایت علیه دولت از جمله مؤلفه‌های سنجش شاخص حاکمیت قانون هستند. بارو (۱۹۹۹) درباره اثرهای اقتصادی نهادهایی مانند حقوق مالکیت و نظام قضایی می‌گوید: «از آنجایی که مردم به دنبال نفع شخصی هستند، فقط در صورتی به بر عهده گرفتن کار سخت و سرمایه‌گذاری اقدام می‌کنند که احتمال منطقی از منتفع شدن از کوششان موجود باشد. بنابراین اگر حقوق مالکیت خوب تأمین نشده باشد؛ به‌طور مثال به علت جرم و جنایت بیشتر، نرخ‌های بالای مالیات یا احتمال بالای مصادره اموال به‌وسیله دولت - مردم به کاهش کوشش و سرمایه‌گذاری اقدام می‌کنند» (بارو، ۱۹۹۹).

کیفیت بوروکراسی

این شاخص بیانگر مفهوم‌هایی مانند: مقررات دست و پاگیر، مداخله دولت در اقتصاد، سیاست‌های رقابتی، موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای، دسترسی به بازارهای سرمایه است. مقررات کارا هدف‌های رفاه اجتماعی وضع شده به‌وسیله دولت را با هزینه کمتر محقق می‌سازد. هزینه‌های اقتصادی بوروکراسی اداری به دو شکل کلی نمایان می‌شود: ا. هزینه‌های مستقیم مدیریت نظام قانون‌گذاری، که در داخل دولت و از راه تخصیص‌های بودجه‌ای در قالب‌های مقرراتی درونی شده؛ ب. هزینه‌های پذیرش مقررات، که برای قانون‌گذار برون‌زا است و بر دوش تولیدکننده و مصرف‌کننده می‌افتد به‌صورت انطباق با قوانین یا طفره‌رفتن از پذیرش آنها (همان).

اثربخشی دولت

کارایی یا اثربخشی دولت با سیاست‌گذاری و اجرا به‌وسیله دولت برای حمایت نظام بازار مورد توجه واقع شده، همچنین به توانایی دولت در قانون‌گذاری، داوری دادگاه‌ها،

تصمیم‌های مدیریتی درباره حاکمیت قانون، عدالت مدیریتی و قضایی مانند پاسخ‌گویی و شفافیت اشاره می‌کند. افزون بر آن کیفیت تهیه و تدارک خدمات عمومی و استقلال خدمات همگانی از فشارهای سیاسی و صلاحیت و شایستگی کارگزاران را بیان می‌کند (عاصم اوقلو، ۲۰۰۴).

دیدگاه اسلام

دولت در هر نظام اقتصادی نقش و وظیفه خاصی دارد. در نظام سرمایه‌داری این نقش به حداقل رسیده، در حالی که در نظام سوسیالیسم، دولت، مدیریت سیاست‌های کلی اقتصادی و اجتماعی را به عهده داشته و حداکثر دخالت در اقتصاد را دارد. در اسلام، دولت نقش سازنده و برجسته‌ای دارد. نقش دولت، پدید آوردن وضعیتی است که مردم بتوانند مطابق هدف‌های عالی‌ه اسلام زندگی کنند (بناء رضوی، ۱۳۶۷: ۲۰۰).

تاریخ نشان می‌دهد که مداخله دولت در اقتصاد، از همان ابتدای تشکیل حکومت اسلامی در زمان پیامبر اکرم ﷺ مطرح بوده و در عصر خلفاء نیز بدون هیچ تردیدی ادامه داشته است (موسویان، ۱۳۸۰: ۵۷). مهمترین وظایف اقتصادی دولت اسلامی در صدر اسلام عبارت بودند از: تجهیز و تخصیص منابع مالی، اجرای عدالت اقتصادی، برقراری ثبات در بازار، عمران و آبادانی، حفظ امنیت اجتماعی و اقتصادی، امر به معروف و نهی از منکر در ابعاد اقتصادی، برنامه‌ریزی برای حرکت به سمت اشتغال کامل، تأمین اقتصادی، توازن اقتصادی، حفظ استقلال اقتصادی و تأمین رفاه اقتصادی (همان).

با نگاهی دقیق به وظایف اقتصادی دولت در اسلام پی می‌بریم که اسلام به عامل‌های نهادی اثرگذار بر رشد اقتصادی توجهی خاص داشته و با رهنمودهایی که دارد شیوه صحیح اداره اقتصاد را به منظور رسیدن به رشد اقتصادی نشان می‌دهد، که نمونه‌هایی از این رهنمودها در قالب شش عامل نهادی مورد نظر مقاله در ذیل بیان شده‌اند:

حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی در صدر اسلام

در زمان صدر اسلام، اداره سیاست عمومی تحت رهبری و نظارت کامل پیامبر اکرم ﷺ بوده که خط مشی‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها از سوی حضرت و با مشورت با بزرگان صحابه صورت می‌گرفت (ابوعبید، ۱۳۸۸: ۳۸۵ - ۳۸۳).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مدینه تعداد چهارده تن از بزرگان صحابه خود اعم از مهاجرین و انصار را در کمیته‌ای متشکل کرده بود. حضرت از اعضای کمیته پیش‌گفته جهت مشورت و مذاکره در امور حکومت و مسائل جاری مسلمانان بهره می‌گرفت. هر یک از اعضا افرادی را در اختیار داشتند که به وسیله آنها از اوضاع و مسائل مسلمانان دیگر خبردار می‌شدند و به این وسیله ضمن کمک به پیامبر صلی الله علیه و آله در مشورت‌های حضرت با آنان، در رفع مخاصمه‌ها و حل و فصل دعواها بین مسلمانان اقدام می‌کردند (کتانی، بی تا: ۱، ۵۸).

کنترل فساد در صدر اسلام

جلوگیری از برخی منکرات که جنبه اقتصادی دارد و در سطح جامعه شیوع می‌یابد، بدون استفاده از قدرت قانونی ممکن نیست؛ به‌طور مثال، مقابله با احتکار، رباخواری، معامله‌های باطل و حرام، مانند: خرید و فروش شراب، گوشت خوک و ... از توان تک تک افراد جامعه بیرون است؛ بنابراین اقتصاد کشور اسلامی نیاز به ناظرهایی دارد که بر روند فعالیت‌های اقتصادی نظارت داشته باشند. به همین علت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فردی را به عنوان عامل خود و ناظر بر بازار مکه تعیین کردند (همان: ۱، ۲۵۸). همچنین با توجه به اینکه اصلی‌ترین هدفی که پیامبر برای آن برانگیخته شده، تربیت و هدایت انسان و رسانیدن وی به جوار قرب الهی است. بنابراین با تقویت ارزش‌های معنوی افراد و با کنترل افرادی که وظیفه اجرایی از طرف دولت دارند از فساد جلوگیری می‌شود.

ثبات سیاسی در صدر اسلام

حفظ امنیت اجتماعی و سیاسی، بدون آمادگی نظامی و قدرت بازدارندگی ممکن نیست. تردیدی نیست که جهاد چه به‌صورت ابتدایی که در صدر اسلام برای دعوت به اسلام انجام می‌شد و چه به‌صورت جهاد دفاعی که در تمام زمان‌ها اتفاق افتاده، نیازمند دخالت دولت است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیش از هر امر دیگری، به تقویت مجاهدان در راه اسلام اهمیت می‌داد. تقسیم چهار پنجم غنایم بین شرکت‌کنندگان در جهاد، مایه تشویق و تقویت مجاهدان بود. مصرف بخشی از مالیات‌هایی که در اختیار حضرت بود، مانند اموال بنی‌نضیر، برای خرید سلاح و مرکب مورد نیاز در جنگ‌ها، در همان هنگامی که برخی از مسلمانان دچار تنگدستی بودند، نشانه اهمیت جهاد بود (مالک، ۱۳۸۲: ۶۵).

از سوی دیگر در صدر اسلام، اعراب به منظور به دست آوردن منابع و ثروت یکدیگر به جنگ و خونریزی می‌پرداختند و اختلاف قبیله‌ای و نژادی در میان اعراب شایع بود. اسلام با نفی تمام تبعیض‌های نژادی، قومی، زبانی و ...، مسلمانان را برادر یکدیگر دانسته و تفاوت افراد را در میزان تقوای آنها می‌داند. از این رو پیامبر اکرم ﷺ با برقراری حکومت اسلامی، به مبارزه با این اختلاف‌ها پرداخت و ثبات سیاسی را برقرار ساخت.

حاکمیت قانون در اسلام

یکی دیگر از وظایف دولت اسلامی، تأمین امنیت اقتصادی در سطح جامعه است. مفهوم امنیت، مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت است و درباره افراد به معنای آن است که هراس و بیمی درباره حقوق و آزادی‌های مشروع خود نداشته باشند. پیامبر اکرم ﷺ در کنار وظایف خود، به رفع اختلاف و دعواهای مردم پرداخته و میان آنها قضاوت می‌کرد. همچنین حضرت در سال فتح مکه افرادی را جهت قضاوت بین مردم به یمن فرستاد و نیز امیر مؤمنان علی ؑ و محمد بن مسلمه را جهت اقامه حدود الهی به سوی اقوامی اعزام کرد (کتانی، بی تا: ۱، ۴۳).

کیفیت بوروکراسی در صدر اسلام

در صدر اسلام برای این منظور از دو راهکار استفاده می‌شد:

أ. **تصحیح کارکرد بازار:** به معنای لحاظ کردن مجموعه‌ای از شرط‌ها، در خریدار و فروشنده، دو کالای مبادله شده با هم و نیز رعایت احکام خیاراتی که در اثر عیب، غبن، نادیده خریدن و ... پدید می‌آید. پیامبر اکرم ﷺ برای تصحیح روند مبادله‌ها در بازار مسلمانان فرمود:

«اول یادگیری احکام دین، آنگاه خرید و فروش» (غفاری، ۱۳۸۶: ۵۷).

ب. **تسهیل سازوکار بازار:** پیامبر اکرم ﷺ خوش نداشت محدودیت‌های مصنوعی و فعالیت واسطه‌ها، باعث افزایش قیمت‌ها و در رنج افتادن مسلمانان شود (مالک، ۱۳۸۲: ۶۳).

اثر بخشی دولت در صدر اسلام

زمانی دولت در زمینه اقتصادی کارا خواهد بود که بتوان به هدف دولت‌ها در مداخله اقتصادی پی برد. دولت‌ها با هدف برقراری عدالت اقتصادی و اجتماعی در روابط اقتصادی

دخالت می‌کنند. برای دستیابی به عدالت اقتصادی در صدر اسلام چند راهکار استفاده شد:

أ. فراهم‌ساختن فرصت‌های برابر برای همه مردم در تولید و تجارت؛

ب. جلوگیری در گرد آمدن ثروت‌های حرام؛

ج. گرفتن مالیات از ثروتمندان و پرداخت آن به بینوایان (کتانی، بی‌تا: ۱، ۴۶).

در دو دهه اخیر که از عمر ادبیات اقتصاد سیاسی جدید رشد سپری می‌شود مطالعه‌های تجربی فراوانی درباره اهمیت عامل‌های نهادی بر رشد اقتصادی انجام شده است. اغلب مطالعه‌های پیش‌گفته با شاخص‌های نهادی گوناگون بیانگر ارتباط معنادار نهادها با رشد اقتصادی هستند. در جدول ۱ به چند نمونه مهم از این مطالعه‌ها اشاره می‌کنیم.

جدول ۱: خلاصه برخی مطالعه‌های تجربی انجام‌شده درباره نهادها و رشد اقتصادی

پژوهشگر	شاخص‌های نهادی مورد استفاده در مدل	اثر شاخص‌های نهادی روی رشد
Butkiewicz L. James and Yanikkaya (2006)	حاکمیت قانون و دموکراسی	هر دو اثر مثبت
Vijayaraghavan Maya and Ward A. William(2002)	تأمین حقوق مالکیت، دموکراسی، حکمرانی و اندازه دولت	اندازه دولت و تأمین حقوق مالکیت به ترتیب اثر منفی و مثبت معناداری دارند
Barro, R. J. (1996)	حاکمیت قانون، دموکراسی و ثبات سیاسی	اثر دموکراسی غیرخطی و به شکل U معکوس و اثر حاکمیت قانون مثبت و معنادار و همچنین بی‌ثباتی سیاسی اثر منفی دارد
Knack, Stephen, Philip Keefer. (1995)	ریسک مصادره سرمایه‌ها به‌وسیله دولت، احتمال رد قراردادهای از طرف دولت و فساد	اثر منفی و معنی داری دارند
Polterovich victor and popov Vladimir (2006)	دموکراسی و حاکمیت قانون	در صورتی که نظم و قانون در آن کشور موجود باشد هر دو اثر مثبت خواهد بود
Mauro, P. (1995)	ثبات سیاسی، کارآمدی بوروکراسی (میانگینی از نظام قضایی، کاغذ بازی و فساد)	هر دو اثر مثبت

ارائه مدل و آزمون فرضیه تحقیق

معرفی الگو

در اغلب مطالعه‌هایی که اخیراً درباره رشد اقتصادی انجام گرفته، شکل تعمیم‌یافته الگوی سولو که شامل عامل نهادی نیز است به عنوان الگوی مناسب مورد استفاده واقع شده است. از طرفی در تحقیق پیش‌رو براساس فرضیه مورد مطالعه رابطه مثبت و معناداری

بین محیط نهادی و رشد اقتصادی پرداخته می‌شود و از روش بوتکیویکز و یانیکایا (Butkiewicz & Yanikkaya, 2006) در تعمیم الگوی سولوو ترکیب این دو مدل با استفاده از برآورد بهینه متغیرهای گوناگون به صورت ذیل مورد استفاده قرار می‌دهیم:

$$Y_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 initialGDP_{it} + \alpha_2 K_{it} + \alpha_3 H_{it} + \alpha_4 Z_{it} + U_{it}$$

که در آن:

Y_{it} : رشد درآمد سرانه واقعی کشور (i)

$initialGDP_{it}$: درآمد سرانه واقعی اولیه که در اینجا GDP مربوط به سال ۱۹۸۰

لحاظ شده در کشور (i)

K_{it} : سهم سرمایه‌گذاری سالانه هر کشور از GDP سالانه آن که به عنوان سرمایه

فیزیکی در کشور (i)

H_{it} : میزان امید به زندگی در بدو تولد که به عنوان شاخص سرمایه انسانی مورد

استفاده در کشور (i)

Z_{it} : برداری از متغیرهای نهادی حاکمیتی (شامل شش شاخص: حق اظهارنظر و

پاسخ‌گویی، ثبات سیاسی، کنترل فساد، حاکمیت قانون، کیفیت بوروکراسی و اثربخشی دولت)

به‌طور جداگانه و شاخص کلی حکمرانی خوب که میانگین شش شاخص در هر کشور (i)

U_{it} : جمله پسماند الگو و i اندیس مربوط به کشورها است.

داده‌های مربوط به نرخ رشد GDP، GDP اولیه و سهم سرمایه‌گذاری از GDP از Penn world

table (6-2)، و داده‌های سرمایه انسانی از استرلی و میروات (Easterly & Miravat, 2002) به

دست آمده‌اند. همچنین داده‌های مربوط به نهادهای حاکمیتی از کافمن و همکاران (۲۰۰۶)

است. این داده‌ها از ۲/۵- تا ۲/۵ رتبه‌بندی شده و مقدار بیشتر بیانگر کیفیت بهتر نهادها و

در کل بیانگر حکمرانی خوب است. داده‌های مربوط به هر شاخص برای هر کشور

به صورت متوسط دوره بررسی محاسبه و اعمال شده است.

نتیجه‌های تخمین الگو

روش مورد استفاده در این تحقیق برای برآورد الگو، داده‌های ترکیبی است. با

توجه به بین کشوری بودن داده‌ها، ناهمسانی واریانس اجزای اخلاص به روش وایت

(Whites General Heteroscedasticity Test) مورد آزمون قرار گرفته و نتیجه‌ها از عدم وجود ناهمسانی واریانس حاکی بودند. همان‌طور که در جدول ۲ نشان داده شده شاخص‌های نهادی با همدیگر همبستگی بالایی دارند که تخمین آنها در معادله رگرسیون واحد را ناممکن می‌سازد. بنابراین جهت دوری از این مشکل شکل پایه‌ای از مدل که همان شکل تعمیم‌یافته الگوی سولو بدون عامل نهادی است در نظر گرفته شده و در معادله‌های جداگانه‌ای هر کدام از شاخص‌های نهادی اضافه و تخمین زده می‌شوند. در مجموع هشت معادله خواهیم داشت. نتیجه‌های تخمین‌ها در پیوست آمده است.

جدول ۲: ضرایب همبستگی بین متغیرهای نهادی در داده‌های ترکیبی

متغیرها	آزادی‌های مدنی	حقوق سیاسی	حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی	کنترل فساد	حاکمیت قانون	ثبات سیاسی	کیفیت بوروکراسی	کارآمدی دولت	آزادی‌های اقتصادی	تکثر قومی
آزادی‌های مدنی	۱	۰/۹۳	-۰/۹۱	-۰/۶۲	-۰/۶۳	-۰/۶۷	-۰/۷۲	-۰/۶۵	-۰/۶۸	۰/۲۵
حقوق سیاسی		۱	-۰/۹۴	-۰/۶۱	-۰/۶۱	-۰/۵۴	-۰/۷	-۰/۶۲	-۰/۶۴	۰/۳۶
حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی			۱	۰/۷۹	۰/۷۸	۰/۶۷	۰/۸	۰/۸	۰/۷۳	-۰/۳۳
کنترل فساد				۱	۰/۹۷	۰/۷۵	۰/۸	۰/۹۷	۰/۸۵	-۰/۲۸
حاکمیت قانون					۱	۰/۷۹	۰/۸۹	۰/۹۷	۰/۸۵	-۰/۲۸
ثبات سیاسی						۱	۰/۷۱	۰/۷۵	۰/۷۴	-۰/۰۸
کیفیت بوروکراسی							۱	۰/۷۵	۰/۷۴	-۰/۲۸
کارآمدی دولت								۱	۰/۸۶	-۰/۲۵
آزادی‌های اقتصادی									۱	-۰/۱۶
تکثر قومی										۱

جدول ۳: برآورد تخمین داده‌های ترکیبی اثرهای مؤلفه‌های نهادی و حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در کشورهای اسلامی در حالت کلی

متغیر	معادله اول	معادله دوم	معادله سوم	معادله چهارم	معادله پنجم	معادله ششم	معادله هفتم	معادله هشتم
ثابت	-۱۴/۰۸ (-۲/۵۷)	-۱۳/۸ (-۲/۵)	-۱۱/۵ (-۲/۱۵)	-۱۱/۶ (-۲/۱۷)	-۱۰/۵۹ (-۲/۰۴)	۱۲/۲۱ (-۲/۲۳)	-۸/۸۱ (-۱/۷۵)	-۱۰/۵ (-۱/۹)
درآمد اولیه کشور (i)	-۰/۷ (-۲/۴۸)	-۰/۸ (-۲/۳۸)	-۱/۴۵ (-۳/۴۸)	-۰/۹ (-۳/۲۱)	-۱/۶۲ (-۴/۰۲)	-۱/۱۲ (-۳/۰۶)	-۱/۷۲ (-۴/۷۱)	-۱/۴۶ (-۳/۸)
سهم سرمایه‌گذاری از GDP کشور (i)	۱/۲۸ (۵/۸۷)	۱/۲ (۵/۶)	۱/۲۱ (۵/۷۹)	۱/۱۵ (۵/۳۱)	۱/۲ (۵/۸۹)	۱/۲ (۵/۵)	۱/۱۲ (۵/۷۳)	۱/۱۴ (۵/۴۳)
سرمایه انسانی کشور (i)	۵/۷۸ (۳/۲۹)	۵/۸ (۳/۳)	۶/۶۵ (۳/۸)	۵/۶ (۳/۳۵)	۶/۷ (۴/۰۹)	۶/۱ (۳/۵۴)	۶/۴۹ (۴/۱۸)	۶/۴ (۳/۸)
حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی کشور (i)		۰/۱۲ (۰/۵)						
کنترل فساد کشور (i)			۰/۶۸ (۲/۳۶)					
ثبات سیاسی کشور (i)				۰/۴۹ (۲/۲۱)				
حاکمیت قانون کشور (i)					۰/۹۷ (۳/۱۲)			
کیفیت بوروکراسی کشور (i)						۰/۶ (۱/۷۴)		
اثر بخشی دولت کشور (i)							۱/۰۹ (۳/۸۱)	
حکمرانی خوب در کشور (i)								۱/۹۳ (۲/۷۱)
عرض از مبدأ کشور عربستان	۹,۸۷	۸,۷۳	۱۰,۴۴	۱۰,۹۴	۹,۶۶	۹,۷۲	۹,۲۱	۱۰,۰۶
عرض از مبدأ کشور مالزی	۱۰,۸۶	۹,۷۵	۱۰,۴۱	۱۰,۵۲	۱۰,۸۲	۱۰,۳۶	۹,۸۸	
عرض از مبدأ کشور ایران	-۱۰,۰۶	-۱۰,۸۶	-۹,۷۵	-۱۰,۴۱	-۱۰,۵۲	-۱۰,۸۲	-۱۰,۳۶	-۹,۸۸
عرض از مبدأ کشور اندونزی	-۱۰,۸۷	-۹,۷۳	-۱۱,۴۴	-۱۱,۹۴	-۱۰,۶۶	-۱۰,۷۲	-۱۰,۲۱	-۱۱,۰۶

۱۰,۴۴	۱۰,۸۸	۱۱,۳۶	۱۱,۸۲	۱۱,۵۲	۱۱,۴۱	۱۰,۷۵	۱۱,۸۶	عرض از مبدأ کشور کویت
-۵,۴۴	-۵,۸۸	-۶,۳۶	-۶,۸۲	-۶,۵۲	-۶,۴۱	-۵,۷۵	-۶,۸۶	عرض از مبدأ کشور ترکیه
-۶,۸۸	-۷,۳۶	-۷,۸۲	-۷,۵۲	-۷,۴۱	-۶,۷۵	-۷,۸۶	-۷,۰۶	عرض از مبدأ کشور مصر
۰/۵۱	۰/۵۶	۰/۴۶	۰/۵۲	۰/۴۸	۰/۴۹	۰/۴۳	۰/۴۳	\bar{R}^2

جدول ۴: برآورد تخمین داده‌های ترکیبی اثرهای مولفه‌های نهادی و حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در کشورهای

اسلامی در حالت اثرهای بین کشوری متغیر حکمرانی خوب

متغیر	معادله اول	معادله دوم	معادله سوم	معادله چهارم	معادله پنجم	معادله ششم	معادله هفتم	معادله هشتم	معادله نهم	معادله دهم
ثابت	-۱۲/۰۸ (-۳/۵۷) ()	-۱۴/۰۳ (-۲/۵۱) ()	-۱۴/۳۴ (-۲/۵۶) ()	-۱۳/۸ (-۲/۵) ()	-۱۱/۵ (-۲/۱۵) ()	-۱۱/۶ (-۲/۱۷) ()	-۱۰/۵۹ (-۲/۰۴) ()	۱۲/۲۱ (۲/۲۳) ()	-۸/۸۱ (-۱/۷۵) ()	۱۵/۳۹ (-۲/۷۲) ()
درآمد اولیه در کشور (i)	-۰/۷ (-۲/۴۸) ()	-۰/۷ (-۲/۲۳) ()	-۰/۶۴ (-۲/۰۳) ()	-۰/۸ (۲/۳۸) ()	-۱/۴۵ (-۳/۴۸) ()	-۰/۹ (-۳/۲۱) ()	-۱/۶۲ (-۴/۰۲) ()	-۱/۱۲ (-۳/۰۶) ()	-۱/۷۲ (-۴/۷۱) ()	-۰/۹۱ (-۲/۵۶) ()
سهم سرمایه‌گذاری از GDP در کشور (i)	۱/۲۸ (۵/۸۷)	۱/۲۷ (۵/۶۹)	۱/۲۹ (۵/۷۹)	۱/۲ (۵/۶)	۱/۲۱ (۵/۷۹)	۱/۱۵ (۵/۳۱)	۱/۲ (۵/۸۹)	۱/۲ (۵/۵)	۱/۱۲ (۵/۸۳)	۱/۲۵ (۵/۶۳)
سرمایه انسانی در کشور (i)	۵/۷۸ (۳/۲۹)	۵/۷۸ (۳/۲۳)	۵/۶۹ (۳/۱۸)	۵/۸ (۳/۳)	۶/۶۵ (۳/۸)	۵/۶ (۳/۳۵)	۶/۷ (۴/۰۹)	۶/۱ (۳/۵۴)	۶/۴۹ (۴/۱۸)	۶/۱۳ (۳/۴۲)
آزادی‌های مدنی در کشور (i)		-۰/۱۶ (-۰/۲)								
حقوق سیاسی در کشور (i)			۰/۲۱ (۰/۳)							
حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی در کشور (i)				۰/۱۲ (۰/۵)						
کنترل فساد در کشور (i)					۰/۶۸ (۲/۳۶)					
ثبات سیاسی در کشور (i)						۰/۴۹ (۲/۲۱)				
حاکمیت قانون در کشور (i)							۰/۹۳ (۲/۹)			
کیفیت بوروکراسی در کشور (i)								۰/۶ (۱/۷۴)		

	۱/۰۹ (۳/۸۱)									کارایی دولت در کشور (i)
۰/۲۵ (۰/۹۷)										آزادی‌های اقتصادی در کشور (i)
۰/۰۸ (۰/۲۳)	۰/۳۴ (۱/۰۷)	۰/۲۶	۰/۲۷	۰/۱۸	۰/۳۴	۰/۳۸	۰/۱۵	۰/۳۵	۰/۰۷	عرض از مبدأ کشور عربستان
۱/۵	۱/۰۷	۱/۴	۱/۲	۱/۳۷	۱/۲۳	۱/۴	۱/۴	۱/۴	۱/۴	عرض از مبدأ کشور مالزی
-۱/۰۴	-۰/۷۵	-۱/۰۶	-۰/۷	-۱/۰۷	-۰/۹	-۱/۱۷	-۱/۱۷	-۱/۲	-۱/۰۷	عرض از مبدأ کشور ایران
-۰/۴۲	-۰/۲۴	-۰/۲۷	-۰/۱۸	-۰/۳۱	-۰/۰۳	-۰/۴	-۰/۶۵	-۰/۳۸	-۰/۴۳	عرض از مبدأ کشور اندونزی
۱/۵۸	۱/۰۸	۱/۴۱	۱/۴۵	۱/۳۶	۱/۳۳	۱/۱۲	۱/۴۴	۱/۲۳	۱/۰۴	عرض از مبدأ کشور کویت
-۱/۳۶	-۰/۸۴	-۱/۰۵۲	-۰/۸۵	-۱/۲۵	-۰/۹۲	-۱/۱۲	-۱/۱۲	-۱/۰۶	-۱/۱۲	عرض از مبدأ کشور ترکیه
-۰/۴۵	-۰/۲۱	-۰/۲۴	-۰/۱۲	-۰/۳۲	-۰/۱۳	-۰/۴۱	-۰/۶۲	-۰/۳۶	-۰/۱۲	عرض از مبدأ کشور مصر
۰/۶۹	۰/۶۸	۰/۶۹	۰/۶۹	۰/۶۸	۰/۶۴	۰/۶۲	۰/۵۷	۰/۵۶	۰/۵۴	R^2

توجه

در تحلیل و بررسی نتیجه‌ها موارد ذیل مورد توجه قرار گرفته است:

أ. تخمین‌ها به روش داده‌های ترکیبی انجام گرفته؛

ب. متغیر وابسته، نرخ رشد اقتصادی است؛

ج. اعداد داخل پرانتز مقدار آماره t-student را نشان می‌دهد.

تحلیل نتایج

در جدول ۳ معادله نخست مربوط به تخمین اثر عوامل اقتصادی بر رشد را به صورت کلی بدون در نظر گرفتن شاخص‌های کلی حکمرانی بیان کرده و جدول ۴ بیانگر حالتی از متغیرها به صورت متغیرهای حکمرانی اثرگذار به صورت مجزا در هر کشور است. نتیجه‌های به دست آمده از جدول ۳ از نظر علامت و معناداری هر سه عامل اقتصادی (درآمد سرانه اولیه، سرمایه فیزیکی و انسانی) مؤید نتیجه‌های مطالعه‌های پیشین است. ضریب مربوط به درآمد سرانه اولیه منفی و معنادار است که با مفهوم هم‌گرایی کشورهای فقیر با کشورهای پیشرفته قابل بیان است. هم‌گرایی، ویژگی مهم مدل نئوکلاسیک رشد

است که در دهه ۱۹۶۰ توسعه یافت. مفهوم هم‌گرایی اخیراً به صورت فرضیه تجربی مورد بهره‌برداری واقع شده، برای سطح پایین درآمد سرانه اولیه، نرخ رشد GDP پیش‌بینی شده بالاست. باید توجه داشت که هم‌گرایی به شکل شرطی آن قابل پذیرش است، اگر همه اقتصادها فی نفسه مشابه باشند، مگر از نظر درآمد سرانه اولیه، در این صورت هم‌گرایی مشاهده خواهد شد. بارو (۱۹۹۶) بیان می‌کند که برای یک سطح داده شده از وضعیت اقتصادی (مانند: امید به زندگی و تحصیلات عالی اولیه، مرگ و میر پایین، مصرف پایین دولت، بستر نهادی مناسب برای فعالیت‌های اقتصادی-سیاسی و وضعیت‌های دیگر) نرخ رشد به‌طور منفی به سطح اولیه GDP مرتبط خواهد بود. ویژگی هم‌گرایی در مدل نئوکلاسیک از بازده نزولی سرمایه ناشی است. ضریب مربوط به دو متغیر سرمایه فیزیکی و انسانی مثبت و معنادار بوده و بر اساس مطالعه‌های پیشین بیانگر این است که هر چه یک کشور سطح سرمایه‌گذاری بالا و نیروی کار سالم و توانمند داشته باشد، رشد اقتصادی بالایی را شاهد خواهد بود، سرمایه انسانی در اشکال گوناگون خود به واسطه کانال‌های گوناگون به صورت مستقیم یا غیرمستقیم رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ به‌طور مثال برخی از یافته‌ها نشان می‌دهند که بالا بودن نرخ تحصیلات عالی باعث بالا رفتن کارایی نیروی کار و همچنین سوددهی سرمایه جذب شده را نیز بالا برده و باعث تسریع رشد می‌شود. سطح بالای تحصیلات زنان باعث بالا رفتن آگاهی آنها درباره مسائل بارداری و کنترل جمعیت می‌شود که به‌طور غیرمستقیم رشد را متأثر می‌سازد.

در معادله دوم شاخص حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی (همان شاخص دموکراسی) اضافه شده و ضریب به دست آمده مثبت و غیر معنادار است. مطالعه‌های فراوانی درباره رابطه دموکراسی با رشد اقتصادی انجام شده که نتیجه‌های تقریباً متفاوتی را نشان می‌دهند. برخی از آنها اثر دموکراسی روی رشد را مثبت و برخی دیگر منفی ارزیابی می‌کنند و دسته دیگر نیز مانند آمارتیا سن فارغ از اثر مثبت یا منفی دموکراسی روی رشد، آزادی را به عنوان شکل کلی دموکراسی اساس توسعه می‌دانند و باور دارند داوری درباره اهمیت دموکراسی نباید محدود به نتیجه‌های اقتصادی آن باشد و این نوع نگرش را تنگ‌نظرانه می‌دانند. برخی از محققان بر این باور هستند که دموکراسی رشد را به‌طور غیرمستقیم و به واسطه کانال‌های متعددی تحت تأثیر قرار می‌دهد. نتیجه‌های مطالعه تاورز و وگزیار (۲۰۰۱) نشان می‌دهند که دموکراسی از راه بهبود سرمایه انسانی و تا حدی پایین آوردن نابرابری درآمدی رشد را

تسریع می‌کند. از طرف دیگر از راه کاهش نرخ انباشت سرمایه فیزیکی و تا حدی با افزایش نسبت مصرف دولتی به GDP باعث گُند شدن رشد اقتصادی می‌شود.

تفاوت در رژیم‌ها ممکن است رشد اقتصادی را به واسطه انتخاب‌های اجتماعی متفاوت تحت تأثیر قرار دهد. یک بخش اساسی از مخارج آموزشی به‌طور عمومی تأمین مالی شده بنابراین یک عامل توزیع مجدد قوی است؛ در صورتی که مطابق مبانی نظری مطرح‌شده دمکراسی‌ها درباره نیازهای اساسی مردم حساس‌تر از دیکتاتورها باشند، آنها سیاست‌هایی را انتخاب خواهند کرد که سرمایه انسانی را بهبود بخشد.

درجه نابرابری درآمدی از انتخاب‌های اجتماعی ناشی می‌شود که به‌وسیله رژیم سیاسی متأثر شده. انتظار بر این است که تغییر از دیکتاتوری به دموکراسی وزن بالایی را به ترجیح‌های افراد فقیر در تصمیم‌های جمعی بدهد. حق رأی افراد فقیر ممکن است فرایند سیاسی را در جهت منافع آنها هدایت کند و دولت را جهت توزیع مجدد درآمدی تحت فشار قرار دهند.

کنترل فساد، شاخص دیگر نهادی است که در معادله سوم اضافه شده و ضریب به دست آمده نیز مثبت و معنادار است. همان‌طور که در ادبیات مطرح شد برخی از محققان فساد را به‌صورت روغن لای چرخ‌های بوروکراسی سنگین اداری قلمداد کرده و بر این باور هستند که فساد از دو راه باعث تسریع در رشد اقتصادی می‌شود:

- ا. فعالیت‌های فاسدی مانند رشوه، پرهیز از تأخیرهای اداری را برای افراد ممکن می‌سازد؛
- ب. زمانی که رشوه به‌صورت نرخ کارمزدی باشد در این صورت کارگزاران با جدیت و انگیزه بیشتر کار می‌کنند (باور، ۱۹۹۶).

اما مورو (۱۹۹۵) آن را نادرست دانسته و بیان می‌کند که پیشنهاد رشوه به ادارات باعث شکل‌گیری رویه‌ای می‌شود که کارهای اداری تا زمان پرداخت رشوه به کارکنان به تعویق می‌افتد و این باعث شکل‌گیری بوروکراسی سنگین برای کل اقتصاد و بالا بردن هزینه سرمایه‌گذاری و سرانجام تضعیف رشد اقتصادی خواهد شد. نتیجه‌های به دست آمده در مطالعه پیش‌گفته نیز مؤید این رویکرد درباره فساد است. یعنی سطح پایین فساد باعث تخصیص بهینه منابع عمومی و خصوصی، افزایش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی می‌شود. در معادله چهارم، شاخص ثبات سیاسی برآورد شده است، ثبات سیاسی از کانال سرمایه‌گذاری روی رشد اثر می‌گذارد به طوری که در کشورهایی که احتمال کودتا،

شورش‌های خیابانی، ترور و اشکال دیگر تغییر غیر مصالحت‌آمیز قدرت وجود دارد انگیزه برای سرمایه‌گذاری پایین بوده و سرمایه‌گذارها در چنین وضعیتی بر انتقال سرمایه خود به جاهای امن می‌کوشند. ضریب به دست آمده برای این شاخص مطابق پیش‌بینی مثبت و معنادار بوده و به این شکل قابل تفسیر است که در کشورهایی که انتقال قدرت به شکل دمکراتیک و مصالحت‌آمیز صورت می‌گیرد و شاهد کودتا، ترور و انقلاب نیستند، رشد اقتصادی بالایی اتفاق می‌افتد.

شاخص حاکمیت قانون در معادله پنجم مورد آزمون واقع شده است. ضریب حاصله مطابق پیش‌بینی مثبت و معنادار بوده و بیانگر آن است که در جامعه‌ای که شهروندان و حاکمان آن مطیع قانون بوده و به آن احترام می‌گذارند، قراردادهای دولتی به درستی اجرا می‌شوند، حقوق مالکیت محترم شمرده می‌شود، عملکرد دستگاه قضایی قابل پیش‌بینی باشد، شکایت علیه دولت موفقیت‌آمیز باشد و ... این عوامل باعث تخصیص کارآمد منابع خصوصی و عمومی به فعالیت‌های مولد شده و به این وسیله باعث تسریع در رشد اقتصادی می‌شود. کیفیت بوروکراسی یکی دیگر از شاخص‌های حکمرانی است و نتیجه‌های رگرسیونی مربوط به آن در معادله ششم نشان داده شده است. مطالعه‌ها نشان می‌دهند که بوروکراسی اداری سنگین و نظام مقرراتی ناکارآمد هزینه‌هایی را بر دولت در جایگاه اعمال‌گر و بر سرمایه‌گذاران یا به‌طور کلی شهروندان در جایگاه پذیرنده این مقررات تحمیل می‌کند که باعث بالا رفتن فساد و هزینه‌های تولید و همچنین کاهش سرمایه‌گذاری و به تبع آن به کاهش رشد اقتصادی می‌انجامد. ضریب به دست آمده برای این شاخص مثبت اما غیر معنادار است. البته غیر معناداری آن دال بر بی‌اهمیت بودن آن بر رشد نیست بلکه به واسطه وجود متغیر سرمایه‌گذاری که بخشی از اثر آن بر رشد از راه این متغیر صورت می‌گیرد قابل توجیح است. ضریب مربوط به شاخص اثربخشی دولت در معادله هفتم مثبت و معنادار است به این معنا که تعهد دولت به برنامه‌های درست دولت پیشین، توانمندی در انجام وظایف محوله در حوزه عمومی، سیاست‌گذاری به نفع کسب و کار و ... باعث تسریع در فرایند رشد می‌شود. چرا که دولت‌ها به‌طور معمول سهم بزرگی در اقتصاد اغلب کشورها دارند و افزون بر فعالیت مستقیم در حوزه‌های گوناگون اقتصادی فراهم‌کننده بستر مناسب برای فعالیت‌های اقتصادی غیردولتی نیز هستند.

سرانجام واپسین معادله شامل شاخص حکمرانی خوب است که بیانگر کیفیت

حکمرانی در کشور است. ضریب به دست آمده مطابق پیش‌بینی مثبت و معنادار است. به این معنا که هر قدر در کشور، دولت پاسخ‌گوتر و کارآمدتر و ثبات سیاسی بیشتر، مقررات اضافی و هزینه‌ها کمتر و حاکمیت قانون گسترده‌تر و فساد محدود باشد، رشد اقتصادی بالا است. سرانجام برآورد معادله‌های جدول ۴ با اضافه کردن متغیرهای نهادی دیگر حاکی است اثرگذاری متفاوت این متغیرهای شاخص‌های حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در کشورهای اسلامی است. بنابراین کیفیت بوروکراسی یکی دیگر از شاخص‌های حکمرانی است که نتیجه‌های رگرسیونی مربوط به آن در معادله هشتم جدول نتیجه‌ها نشان داده شده است. اهمیت رژیم مقرراتی مؤثر در تشویق رشد اقتصادی و توسعه به‌طور قابل ملاحظه‌ای علاقه در میان محققان را برای تحقیق در این حوزه در سال‌های اخیر دوچندان کرده است. نتیجه‌های مطالعه‌ها پیشنهاد می‌کند که بوروکراسی اداری سنگین و نظام مقرراتی ناکارآمد هزینه‌هایی را بر دولت در جایگاه اعمال‌گر و بر سرمایه‌گذاران یا به‌طور کلی شهروندان در جایگاه پذیرنده این مقررات تحمیل می‌کند که باعث بالا رفتن فساد و هزینه‌های تولید همچنین کاهش سرمایه‌گذاری و به تبع آن به کاهش رشد اقتصادی می‌انجامد. همان‌طور که شاهد هستیم ضریب به دست آمده برای این شاخص مثبت اما غیر معنادار است. باید توجه داشت که معنادار نبودن آن به معنای بی‌اهمیت بودن آن برای رشد نیست بلکه وجود متغیر سرمایه‌گذاری در طرف راست مدل و ترکیب اثر این دو شاخص می‌تواند عامل آن شمرده شود.

کارآمدی دولت، ششمین و واپسین شاخص حکمرانی است که نتیجه‌های مربوط به تخمین آن در جدول نتیجه‌ها نشان داده شده و مطابق پیش‌بینی مثبت و معنادار است. این بیانگر این موضوع است که تعهد دولت به برنامه‌های درست دولت‌پیشین، توانمندی دولت در حوزه وظایف محوله در عرصه عمومی، سیاست‌گذاری به نفع کسب‌وکار و ... باعث تسریع در فرایند رشد اقتصادی می‌شود چرا که دولت‌ها به‌طور معمول سهم بزرگی در اقتصاد اغلب کشورها دارند و افزون بر فعالیت مستقیم در حوزه‌های گوناگون اقتصادی فراهم‌کننده بستر مناسب برای فعالیت‌های اقتصادی غیردولتی نیز هستند.

آزادی اقتصادی یگانه شاخصی است که برای نهادهای اقتصادی در نظر گرفتیم که مثبت اما برخلاف پیش‌بینی غیر معنادار است. بنابراین سرانجام می‌توان میزان اثرگذاری فاکتورهای نهادی و حکمرانی را در کشورهای اسلامی مانند: ایران، ترکیه، مصر و اندونزی

نسبت به کشورهای دیگر کمتر بوده است و علت آن را نیز در اجرای صحیح سیاست‌ها و قانون‌مداری و پدید ساختن زیرساخت‌های مناسب فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی پیش از اجرای سیاست‌های گوناگون در این کشورها به‌ویژه درباره سیاست‌های اقتصادی دانست و از طرفی نظام ضمانت اجرایی قانون درباره فراهم ساختن زمینه کامیابی در اجرای سیاست‌ها و قاعده‌های بازی در بین نهادها در این کشور ضعف در نظام قضایی و مقرراتی کشورهای پیش‌گفته دانست. در حالت کلی، نخست اینکه نهادهایی که برای جوامع صنعتی اساسی هستند ممکن است در کشورهای در حال توسعه به‌ویژه ایران زاید جلوه کند. پدید ساختن بازار بورس، بازار اوراق قرضه و اسناد خزانة و دفاتر تعیین نرخ اعتبارات، دفاتر اسناد و املاک و متروپولی و دفاتر یا مراکز استاندارد پرهزینه است و تصمیم در این‌باره که آیا آنها باید پیش از نیازهای بازار پدید آیند یا بعد بسیار دشوار است.

دوم: برخی از نهادها در شرایط وجود مشکل‌های نظام‌مند غیرمولد هستند؛ به‌طور مثال کارکنان دولتی، نیروهای نظامی و انتظامی و دیگر کارکنان رسمی که با دستمزد بسیار ناچیزی روبه‌رو هستند، باعث می‌شوند که بخش دولتی به جای اینکه کمکی برای بازار باشد به مانع تبدیل می‌شود. برنامه‌ریزی نادرست و ضعیف درباره هزینه‌های بخش عمومی باعث محروم‌شدن نهادها از منابع و کاهش کارایی آنها می‌شود.

سوم: شاخص‌ها و معیارهای ساده‌ای برای نیازهای نهادی و اولویت آنها در کشورهای پیش‌گفته وجود ندارد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در مقاله پیش‌رو با توجه به چگونگی اداره اقتصادی جامعه در صدر اسلام و ذکر نمونه‌هایی از آن ملاحظه کردیم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله توجه خاصی به عامل‌های نهادی در جهت تنظیم امور اقتصادی، رشد و توسعه داشتند که این همان نتیجه‌ای است که اقتصاددانان غرب بعدها با تکمیل نظریه‌های رشد به آن رسیدند؛ به‌گونه‌ای که در این مطالعه تجربی نیز ما به همین نتیجه‌ها دست یافتیم. نتیجه‌هایی که از تخمین‌های انجام‌شده در مطالعه پیش‌رو به دست می‌آید بیانگر نقش مهم نهادها در عملکرد اقتصادی کشورها است و ضرایب مربوطه نشان می‌دهد که حکمرانی خوب یا در حقیقت نهادهایی که قدرت از راه آنها در یک کشور اعمال می‌شود اثر مثبت روی رشد اقتصادی دارند اما درباره شاخص دموکراسی همان‌طور که مطالعه‌های پیشین نشان داده، اثر دموکراسی روی رشد

مبهم است اما رویکرد به نسبت قابل قبولی که در این مورد قابل اتکا است، اثر غیرمستقیم دموکراسی روی رشد از راه کانال‌هایی چون بهبود سرمایه انسانی است.

از نتیجه‌های به دست آمده می‌توان استنتاج کرد که نهادهای حاکمیتی یا در شکل کلی‌تر حکمرانی خوب نسبت به نهادهای دموکراتیک اهمیت بیشتری برای رشد اقتصادی دارند. سرانجام میزان اثرگذاری فاکتورهای نهادی و حکمرانی برای کشورهای ایران، مصر، ترکیه و اندونزی نسبت به کشورهای دیگر اثرگذاری کمتری داشته است اما باید توجه داشت همان‌طور که در متن نیز اشاره شد، اثر دموکراسی بر رشد بیشتر به عامل‌های نهادی دیگر مانند حقوق مالکیت و حقوق مدنی بستگی دارد چرا که در صورت وجود چنین نهادهایی دموکراسی از راه پاسخ‌گو نگه‌داشتن مسئولان، شفافیت در عملکرد و جریان اطلاعات و همچنین گرفتن تصمیم‌های مردمی که نمونه عالی آن را در صدر اسلام می‌توان ملاحظه کرد، باعث بهبود عملکرد اقتصادی می‌شود.

افزون بر آزمون شاخص‌های شش‌گانه حاکمیتی به‌طور جداگانه متوسطی از این شاخص‌ها تحت عنوان شاخص حکمرانی خوب نیز مورد آزمون واقع شده است. ضریب به دست آمده برای این شاخص کلی مطابق پیش‌بینی مثبت و معنادار بوده و بیانگر این است که حکمرانی خوب یعنی داشتن دولتی توانمند که به وظایف حاکمیتی خود به خوبی عمل کرده، باعث تشویق سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تولیدی و ممانعت از فعالیت‌های ضد تولیدی مانند: رانت‌جویی، فساد و ... می‌شود.

منابع و مأخذ

۱. ابو عبید، قاسم بن سلام، ۱۳۸۸ق، *الاموال*، تحقیق محمدخلیل هراس، قاهره: مکتبه الکلیات الازهریه.
۲. کنانی، شیخ عبدالحی، بی‌تا، *التراتب الاداریه*، بیروت: دارالکتاب العربی.
۳. بناء رضوی، مهدی، ۱۳۶۷ش، *طرح تحلیلی اقتصاد اسلامی*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، اول.
۴. داگلاس سی. نورث، ۱۳۷۷ش، *نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی*، ترجمه محمدرضا معینی، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
۵. غفاری، هادی، ۱۳۸۶ش، *نظام اقتصادی صدر اسلام*، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
۶. مالک، محمدرضا، ۱۳۸۲ش، «وظایف و مسؤولیت‌های دولت اسلامی در اقتصاد»، *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ش ۱۲.

۷. موسویان، سیدعباس، ۱۳۸۰ش، «عدالت؛ محور آموزه‌های اقتصادی اسلام»، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ش ۴.
۸. ویلی، برگستروم، ۱۳۷۸ش، دولت و رشد، ترجمه علی حیاتی، تهران: سازمان برنامه و بودجه.

9. Acemoglu, Daron and James A. Robinson, 2001, "A Theory of Political Transitions," American Economic Review, 91.
10. Acemoglu Daron, Simon Johanson and James Robinson, 2004, "institutions as the fundamental cause of long-run Growth", work paper.
11. A.K.Fosu, 2001, "Political instability and economic growth in developing economies: some specification empirics" Economics letters, www.sciencedirect.com.
12. Barro, R. J. 1996, Determinants of economic growth: A cross-country empirical study. NBER working paper 5698.
13. _____, 1999, Determinants of Democracy. Journal of political Economy, vol. 107, no. 6.
14. _____, 2000, Rule of law, Democracy, and economic performance, index of Economic Freedom, Ch 2.
15. Bennesen Morten, Malchow-moller, vinten Fredrik, 2005, Institutions and Growth- a Literature Survey. Report 2005-1. Center for Economic and Business Research (CEBR).
16. Butkiewicz L. James and Yanikkaya, 2006, Institutional quality and economic growth: maintenance of the rule of law or democratic institutions, or both? Journal of Economic modeling 23, 648- 661. Available online at www.sciencedirect.com.
17. Easterly, William, and Mirvat Sewadeh, 2002, "Global Development Network Growth Database" on the World Bank web site. <http://www.worldbank.org/research/growth/>
18. Freedom House, 2006, Freedom IN THE world. <http://freedomhouse.org/ratings/index.htm>.
19. Gagliardi Francesca, 2007, "Institutions and economic change: A critical survey of the new institutional approaches and empirical evidence", The Journal of Socio-Economics. www.sciencedirect.com
20. Glaeser.L. Edward, Rafael La Porta, Florenico Lopez-de-Silanes, and Andrei Sshleifer, 2004, "Do Institutions Cause Growth?" working paper.
21. Gurr and marshal, 2000, of the Polity IV data set. <http://www.cidcm.umd.edu/inscr/polity>.

22. Hali Edison and Nicola Spat for, 2004, Growth and institutions. Ch 3.
23. Hall, Robert E. and Charles I. Jones, 1999, "Why Do Some Countries Produce.
24. So much more Output per Worker than others?" Quarterly Journal of Economics, 114.
25. Jalilian Hossein, Kirkpatrick Colin and Parker David, 2006, The Impact of Regulation on Economic Growth in developing Countries: A Cross- Country Analysis. World Development vol. 35, no. 1.
26. Janine Aron, 2000, "Growth and Institutions: A Review of the Evidence", the World Bank Research Observer, vol. 15, no. 1.
27. Kauffman, D., Kraay, A., & Mastruzzi, M. 2006, Governance matters V: Governance indicators for 1996–2005. World Bank.
28. Knack, Stephen, Philip Keefer. 1995, "Institutions and Economic Performance: Cross-Country Tests Using Alternative Institutional Measures", Economics and Politics 7.
29. Lipset, S. M. 1959, "Some Social Requisites of Democracy: Economic Development and Political Legitimacy." American Political Science Review 53.
30. Matsuo Hiroshi, 2006, the rule of law and economic development: a cause or a result?
31. Mauro, P. 1995, Corruption and Growth, Quarterly Journal of Economics, Vol. 110.
32. Polterovich victor and popov Vladimir, 2006, Democratization, quality of institutions and economic growth. Working paper.
33. Romer, Paul M. 1990, "Endogenous Technical Change," Journal of Political.
34. Summers, Robert, and Heston, Alan. "The Penn World Table (Mark 6.2): An Expanded Set of International Comparisons. www.nber.org.
35. Tavares Jose, Wacziarg Romain (2001). How democracy affects growth. European Economic Review 45. www.elsevier.com/locate/econbase
36. Vijayaraghavan Maya and Ward A. William, 2005, Institutions and Economic Growth: Empirical Evidence from a Cross- National Analysis. NBER Working paper.